زیرا این را می‌دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته، دیگر گناه را بندگی نکنیم. رومیان ۶: ۶

پس باید چه‌کار کنیم؟

وجود یک رابطه درست بین ما و خداوند، یکی از حیاتی‌ترین و مهم‌ترین موضوعات زندگی است. ما باید خوب نگاه کنیم و ببینیم که خدا کیست، چه جایگاهی دارد و برای ما چه کاری انجام داده. از طرفی خودمان که هستیم، چه جایگاهی داریم و چه می‌کنیم.

اینکه خداوند باید در ما، در رفتار ما و به طور کلی در زندگی ما جلال بیابد، موضوعی حیاتی است تا جایی که می‌توان گفت این موضوع باید مهم‌ترین هدف زندگی یک ایماندار باشد. شخصی که با این دیدگاه زندگی می‌کند می‌تواند شهادت دهد که یک حکم اخلاقی از جانب خداوند می‌تواند بیشتر از هر چیز دیگری الزام را برای انسان به وجود آورد. قرار دادن خودمان در شرایط و موقعیتی که خداوند در آن به صورت ابدی از ما خوشنود باشد، باید اولین عکس‌العمل هر انسان در مقابل خداوند باشد.

زمانی که به گناهان و جهل اخلاقی خود واقف باشیم می‌توانیم متوجه شویم که حضور ما در محضر خداوند و وجود رابطه‌ای شاد بین ما و خداوند عملاً غیرممکن است. اکنون ما که نمی‌توانیم به حضور خداوند برویم پس باید چه کار کنیم؟ پاسخ این سوال در شهادت مسیحی وجود دارد! خداوند با مجسم شدن در کالبد بشری به میان ما آمد. دنیا می‌پرسد «عیسی کیست؟» و کلیسا پاسخ می‌دهد «عیسی خدا است که به میان ما آمده». او آمد تا ما را بجوید، نجات دهد، پاک کند و دوباره به آغوش خدا بازگرداند. او برای انجام این کار باید به جای ما کشته می‌شد تا ما کشته نشویم. او باید از طریقی گناهان ما را بی‌اثر می‌کرد و سابقه گناهان ما را پاک می‌کرد. او می‌بایست قدرت گناهی را که در درون ما جا خوش کرده بود، می‌شکست. شهادت مسیحی می‌گوید که عیسی تمام این کارها را به صورت کامل و موثر بر روی صلیب به انجام رساند.

## خداوندا، از تو سپاسگزارم که به سوی من آمدی. باشد که همیشه به یاد داشته باشم که ابتدا تو مرا انتخاب کردی نه من!

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*